

---

# بررسی تطبیقی آرای جامعه‌شناختی امیل دورکیم در دو نمایش‌نامه یرما و خانه برناردا آلبا نوشته فدریکو گارسیا لورکا

■ سپیده باقری لویه [نویسنده مسوول]

■ ناهید احمدیان

تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۴/۰۲/۱۶ | تاریخ پذیرش نهایی ۱۳۹۴/۰۵/۱۹

---

---

## بررسی تطبیقی آرای جامعه‌شناختی امیل دورکیم در دو نمایش نامه پرما و خانه برناردا آلبا نوشته فدریکو گارسیا لورکا

سپیده باقری لویه | دانشجوی دکترای ادبیات انگلیسی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران

ناهید احمدیان | دکترا، استاد مدعو ادبیات انگلیسی، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران

---

### چکیده

امیل دورکیم یکی از نظریه‌پردازان برجسته جامعه‌شناسی است که مطالعاتش در این حوزه سبب شده است این رشته، در شمار یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های علوم انسانی قرار بگیرد. در بخشی از آرای دورکیم، او واقعیت‌های اجتماعی، یا ارزش‌های مشترک، را وجدان جمعی مردمان یک جامعه ابتدایی می‌نامد و بر این باور است که تمرین خواسته یا ناخواسته این ارزش‌ها از سوی اعضای جامعه، به حفظ همبستگی آن جامعه می‌انجامد. فدریکو گارسیا لورکا، نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی در آثار نمایشی‌اش، با دقتی موشکافانه به بازنمود سنت‌ها و آداب زادگاه خود پرداخته و تلاش کرده تصویری باورپذیر از جوامع سنتی و بسته جامعه اسپانیا در اوایل قرن بیستم ارایه کند. مقاله حاضر به بررسی نظریات دورکیم در مورد نوع همبستگی جوامع و انواع آن‌ها، در دو نمایش‌نامه لورکا، *یرما* و *خانه برناردا آلبا*، که روایتگر پیوندهای عمیق مردمان جنوب اسپانیا با سنت‌هایشان است می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه فراساختارهای غیرمادی جامعه‌ای که لورکا به‌تصویر می‌کشد به تمرین آنچه دورکیم نظم و انسجام اجتماعی در جوامع بدوی می‌نامد، انجامیده است. بررسی حاضر به دنبال نشان دادن امکان ارایه یک تحلیل جامعه‌شناختی از آثار نمایشی و به تبع آن ارایه یک تحلیل تطبیقی است که می‌تواند به بسترسازی علمی و مدون در مطالعات ادبی بیانجامد.

واژگان کلیدی: امیل دورکیم، فدریکو گارسیا لورکا، *یرما*، *خانه برناردا آلبا*، جامعه‌شناسی، اسپانیا